

## نقش مهاجران در توسعه سرزمین مادری و ایجاد همش تولیدمیدار



مرکز پژوهش‌های توسعه و آینده‌نگری  
گروه پژوهشی توسعه امور بخشی و محیط‌زیست  
مجموعه گزارش شماره ۱۲۱



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

## شناسه گزارش

عنوان	نقش مهاجران در توسعه سرزمین مادری و ایجاد جهش تولید پایدار (مطالعه تطبیقی: چین)
کد شناسه	۹۹-۱۰-۱۰۱۷۱
گروه پژوهشی	توسعه امور بخشی و محیط زیست
پدیدآورنده	زهرا کریمی - عضو هیئت علمی دانشگاه مازندران
همکاران	-
ناشر	مرکز پژوهش‌های توسعه و آینده‌نگری
تاریخ انتشار	بهار ۹۹
مطالب این گزارش لزوماً بیانگر نظر رسمی سازمان برنامه و بودجه کشور و مرکز پژوهش‌های توسعه و آینده‌نگری نیست.	
حقوق معنوی اثر به پدیدآورندگان و حقوق مادی آن، به مرکز پژوهش‌های توسعه و آینده‌نگری سازمان برنامه و بودجه کشور تعلق دارد و استفاده از آن با ذکر مأخذ بلامانع است.	
آدرس: تهران - خیابان نجات‌اللہی - خیابان سپند - پلاک ۱۶	
<a href="https://www.dfrc.ir/">https://www.dfrc.ir/</a> Email: <a href="mailto:info@dfrc.ir">info@dfrc.ir</a>	

## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۷	خلاصه مدیریتی.....
۸	مقدمه.....
۹	۱- پیشینه پژوهش.....
۱۲	۲- نقش مهاجرین در معجزه اقتصادی چین.....
۱۴	۲-۱- اصلاح قوانین برای جلب سرمایه‌های چینی‌های ساکن تایوان.....
۱۶	۲-۲- نقش چینی‌های مهاجر در تحول تولید و اشتغال.....
۱۸	۳- کاهش سرمایه‌گذاری و تاثیر آن بر اقتصاد ایران.....
۱۹	۴- سرمایه ایرانیان مهاجر در کشورهای میزبان.....
۲۰	۴-۱- سرمایه‌های فکری ایرانیان مهاجر.....
۲۱	۵- موانع جذب سرمایه‌های ایرانیان مهاجر.....
۲۲	جمع‌بندی.....
۲۴	منابع.....

## فهرست جدول و نمودار

صفحه	عنوان
۱۵	نمودار ۱: سرمایه گذاری مستقیم تایوان در چین (هزار دلار).....
۱۶	نمودار ۲: میزان سرمایه گذاری مستقیم خارجی در چین (۱۹۹۰-۲۰۱۵).....
۱۷	جدول ۱: اشتغال مستقیم شرکت های خارجی و داخلی در مناطق شهری چین ۱۰۰۰ نفر.....
۱۸	جدول ۲: تحولات سرمایه گذاری و تولید (قیمت ثابت سال ۱۳۹۰).....

## خلاصه مدیریتی

در دیدگاه عمومی، مهاجرت نخبگان فرار مغزها خوانده می‌شود؛ این در حالی است که مهاجرت همواره عاملی برای پویایی اندیشه بوده و می‌تواند در جهت توسعه کشور نقش مفیدی ایفا کند. کشور چین در جذب سرمایه مهاجرین موفقیت چشم‌گیری داشته است. در این پژوهش به نقش مهاجرین چینی در توسعه آن کشور پرداخته و تأثیر بالقوه و بالفعل مهاجران ایرانی در کشورهای میزبان و کشور مادری مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد مهاجرینی که پس از به قدرت رسیدن حزب کمونیست در سال ۱۹۴۹ از آن کشور گریختند، از دهه ۱۹۸۰ پس از آغاز اصلاحات اقتصادی، به مهم‌ترین منبع انتقال سرمایه، تکنولوژی، دانش مدیریت و دستیابی به بازارهای صادراتی برای کشور چین تبدیل شدند. دولت چین با تصویب قوانین جدید و ایجاد مناطق ویژه اقتصادی در همسایگی هنگ‌کنگ و تایوان، توان کارآفرینی و سرمایه‌های مادی و فکری مهاجرین را به داخل کشور به خدمت گرفت. در ایران تاکنون در جلب سرمایه مهاجرین موفقیت چشم‌گیری حاصل نشده است. این در حالی است که بسیاری از ایرانیان مهاجر ساکن در کشورهای صنعتی، کارآفرینان خلاق و ثروتمند یا دانشمندان شناخته‌شده‌ای هستند که از جایگاه شایسته‌ای در کشور میزبان برخوردار بوده و عموماً به ایران دلبستگی عمیق دارند. ایران برای تسریع آهنگ توسعه خود به سرمایه‌گذاری‌های مولد در عرصه‌های مختلف نیازمند است. سرمایه‌های مادی و فکری ایرانیان مهاجر منبع مهمی است که در این فرایند باید مدنظر قرار گیرد. در آسیب‌شناسی صورت گرفته در این تحقیق بسیاری از ایرانیان ساکن دیگر کشورها، نسبت به امنیت فعالیت در ایران تردید داشته و لذا لازم است راهکارهای ایجاد اطمینان و امنیت برای مشارکت آنان در فرایند توسعه اندیشیده شود.

## مقدمه<sup>۱</sup>

مهاجرت بر اساس شواهد تاریخی همواره نیروی محرکه پویایی، رشد و پیشرفت بوده است. صرف نظر از علت مهاجرت، مهاجران بخش قابل توجهی از جمعیت جهان را تشکیل می‌دهند. بر اساس آمار سازمان ملل متحد در سال ۲۰۱۹ حدود ۲۷۲ میلیون نفر مهاجر (نزدیک به ۴ درصد از جمعیت جهان) در کشورهای مختلف زندگی می‌کنند؛ به دیگر سخن از هر ۴۰ نفر، یک نفر ساکن کشوری غیر از کشور زادگاه خود است (سازمان ملل ۲۰۲۰).

تجربه کشورهای مختلف نشان می‌دهد که مهاجرین می‌توانند برای کشورهای مبدأ و مقصد، منافع عظیمی داشته باشند. از دید کلان، حرکت آزادانه انسان‌ها در جهان می‌تواند باعث رونق اقتصادی، شتاب بیشتر تکنولوژی و انتشار اندیشه‌های تأثیرگذار در سطح جهان شود. امروزه مهاجرت به معنای خروج از یک کشور و اقامت در کشوری دیگر نیست، بلکه در بسیاری از مواقع به معنای رفت‌وبرگشت‌های مداوم است. به این دلیل شمار مهاجران در جهان به شدت افزایش یافته است. بر اساس آمار سازمان ملل، تعداد مهاجرین در فاصله سال‌های ۲۰۱۹-۱۹۹۰ حدود ۷۸ درصد افزایش یافته و حرکت مهاجرین بین کشور زادگاه و کشور محل اقامت، سبب ایجاد پلی میان کشورها شده است (سازمان ملل ۲۰۲۰).

شواهد تجربی نشان داده است که مهاجرت به کشورهای پیشرفته‌تر می‌تواند عامل ایجاد ارتباط و در صورت وجود شرایط مناسب اقتصادی-اجتماعی، منجر به انتقال دانش، تکنولوژی و سرمایه به سرزمین مادری شده که مسلماً در فرایند توسعه کشور مادری نقش مؤثری خواهد داشت. تجربه‌ای که آشکارا می‌توان در کشورهای بسیاری از جمله چین و هند مشاهده کرد. در این کشورها با اعمال سیاست درهای باز توانسته‌اند سرمایه عظیمی از سوی مهاجرین را به سوی کشور زادگاه هدایت کنند.

میلیون‌ها ایرانی مهاجر در کشورهای صنعتی سکونت دارند که بسیاری از آن‌ها در عرصه‌های مختلف علمی و کارآفرینی، موفقیت‌های شایانی به دست آورده‌اند و تعلق خاطری عمیق به کشور زادگاه خود دارند. از سوی دیگر، ایران برای تسریع آهنگ رشد و توسعه به حجم عظیم سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها و نوسازی صنایع خود نیاز دارد. ایرانیان مهاجر می‌توانند به تسریع آهنگ توسعه کشور کمک کنند. به علاوه، حضور سرمایه ایرانیان مهاجر در کشور می‌تواند برای سرمایه‌گذاران خارجی اطمینان‌بخش بوده و آنان را برای فعالیت در ایران ترغیب کند.

در این گزارش پس از بررسی دیدگاه‌های مختلف در ارتباط با مهاجران و تأثیر سرمایه‌های فکری و مالی آنان در فرایند توسعه کشورهای مهاجرفرست، سیاست‌های چین برای جلب چینی‌های مهاجر و پیامدهای آن مورد

---

۱. این مطالعه با حمایت مرکز پژوهش‌های مجلس انجام شده است.



مطالعه قرار گرفته، وضعیت ایرانیان مقیم کشورهای مختلف جهان، سرمایه‌های مالی و توان فکری و تخصصی آنان بررسی شده و علل ضرورت اعمال سیاست‌های جذب ایرانیان مهاجر و تضمین امنیت آنان مورد تحلیل قرار گرفته است. در پایان، ضمن جمع‌بندی مطالب، راهکارهایی برای ایجاد فضای مناسب مشارکت فعال مهاجرین ایرانی در فرایند توسعه کشور ارائه شده است. لازم به ذکر است این گزارش بر اساس طرح پژوهشی انجام شده که در مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی تدوین گردیده است.

## ۱- پیشینه پژوهش

تا دهه ۱۹۷۰ مهاجرت از کشورهای در حال توسعه به کشورهای صنعتی به‌عنوان فرار مغزها به‌شدت مورد مذمت قرار می‌گرفت و عموماً بر پیامدهای منفی خروج سرمایه‌های مالی و فکری بر رشد کشورهای مهاجرفرست تأکید می‌شد (به‌طور مثال مراجعه شود به آبراهام ۱۹۶۷؛ کومی ۱۹۷۱). به‌تدریج این دیدگاه تعدیل شد؛ زیرا انقلاب اطلاعات و گسترش سفرهای برون‌مرزی، تعامل و رابطه میان مهاجران و کشورهای زادگاه را به نحو چشمگیری افزایش داد. امروزه مهاجران از طریق کانال‌های مختلف ارتباطی به انتقال دانش، تکنولوژی و سرمایه به کشور مادری یاری رسانده و به‌عنوان منبعی ارزشمند برای رشد اقتصادی و دارایی بکر برای توسعه به رسمیت شناخته شده‌اند.

در رابطه با تأثیر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر رشد تولید و اشتغال، مطالعات متعددی در ایران و دیگر کشورهای جهان انجام شده است؛ ولی مطالعه بر روی نقش مهاجران خارجی در توسعه کشورهای زادگاه، قدمت چندان زیادی ندارد. گوپتا و فرگوسن<sup>۱</sup> (۱۹۹۲) بیان کرده‌اند که جهانی‌سازی و سیستم‌های ارتباطی همراه آن، ابزارهایی را به وجود آورده که از آن طریق مردم می‌توانند در زندگی سیاسی، اقتصادی و فرهنگی سایر کشورها مشارکت و اثر فعال داشته باشند. توسعه چشمگیر شبکه‌های مخابراتی و ارتباطات اینترنتی، تعامل مهاجران با کشور مادری را تسهیل کرده است. گائو<sup>۲</sup> (۲۰۰۳) اظهار می‌دارد که مهاجران با سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی<sup>۳</sup> و کارآفرینی فراملی (شامل پشتیبانی برای کارآفرینان و کسب‌وکارهای کوچک) به توسعه اقتصادی میهن خود کمک می‌کنند. شفر<sup>۴</sup> (۲۰۰۳) در کتاب سیاست و مهاجرت تأکید می‌کند که دانش و اطلاعات، عناصر ارزشمندی در مبادلات فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و علمی فراملی هستند که مهاجران به کشور زادگاه منتقل می‌کنند.

اسمارت و شو<sup>۵</sup> (۲۰۰۴) استدلال می‌کنند که کشور چین، بعد از سه دهه تبعیت از برنامه‌ریزی متمرکز و تأکید بر خودکفایی، اصلاحات اقتصادی را در سال ۱۹۷۸ آغاز کرد و با تضمین امنیت سرمایه مهاجران، منابع عظیم سرمایه و توان کارآفرینی چینی‌های مقیم سایر کشورها را به خدمت گرفت. در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ بخش

1. Gupta and Ferguson

2. Gao

3. Foreign Direct Investment (FDI)

4. Sheffer

5. Smart and Hsu

اعظم سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در چین توسط چینی‌های ساکن تایوان و هنگ‌کنگ انجام شد. با شفاف شدن فضای کسب‌وکار و کاهش ریسک سرمایه‌گذاری، به‌ویژه پس از عضویت چین در سازمان تجارت جهانی در اواخر سال ۲۰۰۱، سهم شرکت‌های آمریکایی و اروپایی در سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی چین افزایش یافت، ولی هنوز نقش مهاجران در سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در چین قابل توجه‌تر است.

وسکات و برینکرهاف<sup>۱</sup> (۲۰۰۶) اظهار می‌دارند که مهاجران دانش بومی خود را با مهارت‌ها، دانش و شبکه‌های ارتباطی که در خارج از کشور به دست آورده‌اند، ترکیب می‌کنند و واسطه‌های مهمی میان جوامع محلی و کشورهای پیشرفته صنعتی هستند. فورنر<sup>۲</sup> (۲۰۰۷) نشان می‌دهد که در دهه ۱۸۹۰، دولت ایتالیا حقوق تابعیت دوگانه را، به‌ویژه برای مهاجرانی که در ایالات متحده آمریکا زندگی می‌کردند، به رسمیت شناخت تا مهاجران به میهن بیشتر علاقه‌مند شوند و پس‌اندازهای خود را به ایتالیا بفرستند. بسیاری از کشورهای در حال توسعه نیز تابعیت دوگانه را پذیرا شده و از پیامدهای مثبت آن بهره‌مند گردیده‌اند. به طور مثال، تابعیت دوگانه در کشور مکزیک در سال ۱۹۹۸ به رسمیت شناخته شد. پیش از این تاریخ، میزان وجوه ارسالی از سوی مهاجران به مکزیک سالانه حدود ۳ میلیارد دلار بود؛ پس از پذیرش تابعیت دوگانه، ارسال پس‌انداز از سوی مهاجران دو برابر شد و به ۶ میلیارد دلار در سال رسید.

کارمنت و برکوزن<sup>۳</sup> (۲۰۰۷) اعتقاد دارند که ارتباط مهاجران با کارشناسان بومی به‌جای پدیده فرار مغزها به پویایی اندیشه‌ها منجر می‌شود. به همین دلیل، مهاجران می‌توانند محدودیت‌های علمی و مالی کشورهای مادری را کاهش دهند. مایکل بین<sup>۴</sup> و همکاران (۲۰۰۸) دریافته‌اند که در ۱۲۷ کشور مورد بررسی، مهاجرت نیروی کار ماهر تأثیر مثبتی بر شکل‌گیری سرمایه‌انسانی داشته است. آن‌ها نشان داده‌اند که کشورهای با سطح پایین سرمایه‌انسانی از نرخ پایین مهاجرت بهره‌ای نبرده‌اند؛ و میزان زیان این کشورها از نرخ پایین مهاجرت بیش از منافع، ممانعت از مهاجرت نیروی کار افراد تحصیل کرده بوده است. جنیفر برینکرهوف<sup>۵</sup> (۲۰۰۸) بیان می‌کند که ارتباط مهاجران با کشور مادری می‌تواند به ثبات اقتصادی و سیاسی یاری رساند. مهاجران یکی از منابع مهم برای بازسازی سرمایه‌انسانی در این کشورها هستند و می‌توانند از طریق بازگشت دائمی یا اقامت‌های کوتاه‌مدت به تقویت کارآفرینی و نوآوری و به‌تبع آن به توسعه اقتصادی و ثبات سیاسی در کشور مادری یاری رسانند. دومونت و اسپیل وگل<sup>۶</sup> (۲۰۰۸) معتقدند که گروهی از مهاجران پس از مدتی اقامت در کشورهای صنعتی با تجارب کاری، تحصیلی و پیوندهای خارجی به میهن بازمی‌گردند. آن‌ها با انتقال

1. Wescott and Brinkerhoff
2. Forner
3. Carment and Bercuson
4. Michel Beine
5. Brinkerhoff
6. Dumont and Spielvogel

فناوری‌های جدید و نشر دانش در رشته تخصصی خود، فرایند رشد و توسعه کشور زادگاه را تسهیل و تسریع می‌کنند.

لبلانگ<sup>۱</sup> (۲۰۱۰) اظهار می‌دارد که مهاجران در مقایسه با سرمایه‌گذاران خارجی، به دلیل داشتن زبان و فرهنگ مشترک و با بهره‌گیری از شبکه‌های آشنایان و خویشاوندان، با هزینه‌های پایین‌تری برای سرمایه‌گذاری در کشور مادری مواجه هستند. به علاوه، مهاجران می‌توانند به‌عنوان حامی سرزمین مادری عمل کنند و کشور میزبان خود را برای گسترش روابط اقتصادی و سیاسی با کشور زادگاه خود ترغیب نمایند.

نیولند<sup>۲</sup> و تاناکا (۲۰۱۰) نشان داده‌اند که مهاجران کارآفرین برای شناسایی فرصت‌های اقتصادی در کشور زادگاه، موقعیت ممتازی دارند و می‌توانند با استفاده از این فرصت‌ها در ترغیب به نوآوری، انتقال سرمایه‌های مالی، ایجاد فرصت‌های شغلی و تسریع رشد اقتصادی به کشور مادری کمک کنند. گست (۲۰۱۱) تأکید می‌کند که مهاجرین مهم‌ترین مجاری ارتباطی برای ایجاد پیوند میان انسان‌ها در فراسوی مرزها هستند. مهاجران با توجه به موقعیت ممتاز علمی و اقتصادی و حرفه‌ای و کسب تجربه‌های روزافزون در زمینه‌های گوناگون، به قوی‌ترین و مؤثرترین مجموعه‌های علمی، اقتصادی و فرهنگی در جوامع میزبان تبدیل شده، به طوری که علاوه بر تأثیرگذاری بر ممالک مذکور می‌توانند نقش بسیار مهمی در حیات اجتماعی، علمی، صنعتی و اقتصادی کشور مادر داشته باشند. او جریان مهاجرت را مانند حرکت خون در بدن می‌داند. همان‌گونه که گردش خون غذا و اکسیژن به بدن می‌رساند، مهاجران نیز منابع مالی و اندیشه‌های جدید را به جریان درمی‌آورند؛ منوط به اینکه زمینه‌ها و شرایط لازم برای جلب مهارت‌ها، سرمایه‌ها، تجربه‌ها، علوم و فنون آن‌ها فراهم شود.<sup>۳</sup>

لبلانگ (۲۰۱۵) معتقد است که مفیدترین راه برای انعکاس تمایل به حفظ ارتباط با مهاجران، پذیرش تابعیت دوگانه از سوی کشور مهاجر فرست است. پذیرش تابعیت دوگانه، به معنای تلاش برای ایجاد ارتباط مجدد با مهاجران است؛ و احتمال بازگشت مهاجران و بهره‌گیری از سرمایه‌های فکری و مالی آنان در کشور زادگاه را افزایش می‌دهد. فیش<sup>۴</sup> (۲۰۱۵) نشان می‌دهد که پذیرش راهبرد تعامل با مهاجران به عزم جدی کشورها برای در اولویت قرار دادن رشد اقتصادی و بسیج تمامی امکانات داخلی و بهره‌گیری از پتانسیل مهاجران نیازمند است. احتمال اجرای سیاست درهای باز و تعامل با مهاجران هنگامی بیشتر است که رهبران اولویت را به رونق

1. Leblang
2. Newland

۳. به‌طورمثال، پدر هنری فورد، در سال ۱۸۲۶ در ایرلند متولد شد. او ابتدا به کانادا و سپس به آمریکا مهاجرت کرد. هنری فورد در آمریکا به کارآفرینی برجسته مبدل شد و در صنعت اتومبیل‌سازی تحولی بزرگ به‌وجود آورد. او در سفر به ایرلند در سال ۱۹۱۲، از شهر زادگاه اجدادش «کورک»<sup>۴</sup> دیدن کرد و تصمیم گرفت که در توسعه این منطقه مشارکت داشته باشد. او در سال ۱۹۱۷، یک کارخانه تولید تراکتور در کورک تأسیس کرد که به اولین کارخانه فورد در اروپا تبدیل شد. این کارخانه در اوج فعالیت خود ۱۸۰۰ نفر نیروی کار داشت و تأثیر اقتصادی و اجتماعی بسیار زیادی روی زندگی مردم شهر کورک و حتی کشور ایرلند بر جای گذاشت (گلوبال آیریش، ۲۰۱۵).

4. Fish

سریع اقتصادی می‌دهند. کشورهای مهاجرفرستی که خواهان تسریع آهنگ رشد اقتصادی هستند بر جذب استعدادها و سلايق گوناگون تأکید می‌کنند و ريسک شکل‌گیری گروهی از شهروندان ثروتمندتر و از لحاظ سیاسی گستاخ‌تر و جسورتر را می‌پذیرند.

در ایران نیز مطالعات نسبتاً متعددی در مورد علل و پیامدهای مهاجرت نیروی متخصص صورت پذیرفته است. به عنوان مثال، طلوع (۱۳۷۸) سلجوقی (۱۳۷۹) طایفی (۱۳۸۰) وقوفی (۱۳۸۱) عباسی (۱۳۸۲) راهشخو و همکاران (۱۳۹۱) میرترابی و خاوری‌نژاد (۱۳۹۳) و رستمی حضوری (۱۳۹۳) به مطالعه علل مهاجرت نیروهای متخصص و فرار سرمایه از ایران پرداخته‌اند و بر نقش جاذبه کشورهای صنعتی تأکید کرده‌اند، ولی در مورد مشکلات جذب سرمایه فکری و مالی ایرانیان مقیم خارج مطالعات بسیار محدود بوده است.

مرکز پژوهش‌های مجلس در گزارشی که در سال ۱۳۸۶ منتشر کرده است، میزان سرمایه مالی ایرانیان مقیم خارج را بالغ بر ۱۳۰۰ میلیارد دلار برآورد کرده که از این میان فقط ۹۰۰ میلیارد دلار سهم ایرانیان مقیم آمریکا است. در این گزارش اعلام شده که بیش از ۶۵۰۰ شرکت ایرانی در دومی فعالیت دارند و افزون بر ۱۴۰۰ ایرانی در بورس دومی سرمایه‌گذاری کرده‌اند. این سرمایه مالی عظیم و توان کارآفرینی ایرانیان مهاجر، مسئولان کشور را به اعمال سیاست‌های مناسب در جهت جلب مهاجران به کشور متمایل ساخته است (مرکز پژوهش‌های مجلس ۱۳۸۶). روح‌الله طالبی آرانی (۱۳۹۵) معتقد است که با توجه به شمار کثیر نیروهای متخصص و کارآفرین مقیم خارج کشور، وزارت امور خارجه باید نسبت به جلب ایرانیان مهاجر توجه ویژه‌ای داشته و مجلس شورای اسلامی نیز باید در جهت تسهیل فعالیت ایرانیان خارج کشور در قلمرو سرزمین ایران قوانینی وضع کند.

## ۲- نقش مهاجرین در معجزه اقتصادی چین

چین یکی از نمونه‌های موفق جذب سرمایه‌های مالی و فکری مهاجران است. این کشور توانسته است سرمایه شمار کثیری از مهاجران را جلب نموده، سطح تکنولوژی را ارتقا داده و به رشد سریع تولید، اشتغال و صادرات دست یابد. تا قبل از سال ۱۹۷۹ نسبت تجارت به تولید ناخالص ملی در چین هیچ‌گاه از ۱۰ درصد بیشتر نشده بود و حتی در دهه ۷۰ میلادی این نسبت به کمتر از ۵ درصد رسید. لازم به ذکر است که در سال‌های بعد از انقلاب از سال ۱۹۴۹ تا سال ۱۹۶۰ این کشور تجارت قابل توجهی با شوروی سابق و دیگر کشورهای کمونیستی داشت. بیش از دوسوم تجارت چین با کشورهای کمونیستی بود و ۴۸ درصد آن فقط با شوروی سابق و واردات ماشین‌آلات و نفت از شوروی سابق مهم‌ترین کالاهای وارداتی بودند. در مقابل چین نیز مواد غذایی و پارچه به شوروی صادر می‌کرد و کسری در تراز تجاری را به‌صورت وام از این کشور دریافت می‌کرد. اما با افزایش بحران اقتصادی در چین و کشته شدن میلیون‌ها نفر چینی به دلیل «قحطی بزرگ»، تجارت مواد غذایی با اتحاد شوروی وارد رکود شد. علاوه بر این، افزایش تنش و تفاوت در دیدگاه دولتمردان چین و شوروی، تجارت میان دو کشور را به‌شدت محدود کرد. به این ترتیب، در دهه ۱۹۷۰ چین بسته‌ترین حالت اقتصادی خود را تجربه

کرد که تا میزان بسیار زیادی به خاطر اجرای سیاست خودکفایی<sup>۱</sup> بود که به دستور مائو در چین پیاده شد. در سال ۱۹۷۱ نسبت تجارت به تولید ناخالص ملی به ۵ درصد رسید (ناتون، ۲۰۰۷).

در دوران مائو سرخ بودن و عضویت در حزب کمونیست بیش از متخصص بودن اهمیت داشت. از سال ۱۹۴۹ به بعد پست‌های مدیریتی عمدتاً به افراد فعال در حزب کمونیست تعلق گرفت؛ و گرایش چندانی به جذب افراد تحصیل کرده و متخصص وجود نداشت. در اوایل دهه ۱۹۵۰، بسیاری از خانوارهایی که بستگانشان در خارج از چین زندگی می‌کردند، زمین، شغل و گاه جانیشان را از دست دادند. در دوران انقلاب فرهنگی (۷۶-۱۹۶۶)، روشنفکران و متخصصان و خانواده‌های چینی‌های مهاجر به شدت مورد حمله قرار گرفتند. حمله به روشنفکران، به علوم و تکنولوژی چین آسیب جدی وارد کرد (همان).

رکود مزمن اقتصادی و بحران سیاسی پس از مرگ مائو به همراه رشد چشمگیر اقتصادهای تازه صنعتی شده آسیا، از جمله تایوان، رهبران چین را تشویق کرد تا به چینی‌های مهاجر اجازه فعالیت بدهد؛ و از دانش و سرمایه چینی‌های ساکن تایوان برای تسریع آهنگ رشد اقتصادی کشور بهره گیرند. علوم و تکنولوژی برای نوسازی چین ضروری بود. پس از سال ۱۹۷۶، یکی از سیاست‌های مهم بهبود برخورد با روشنفکران، از جمله چینی‌های مهاجر بود. برای کسانی که جهت تحصیل به خارج رفته بودند انگیزه ایجاد شد تا به کشور بازگردند. حتی برای کسانی که نمی‌خواستند برای زندگی به چین بازگردند، فرصت و امکانات فراهم شد که به چین سفر کنند و از طریق سخنرانی تجارب و دانش خود را به دیگران انتقال دهند.

چین برای تأمین بخشی از سرمایه و کسب دانش بر ذخیره عظیم ۲۰ میلیون چینی مهاجر که در هنگ‌کنگ، تایوان، جنوب آسیا و کشورهای غربی سکونت داشتند، تکیه کرد. رهبران چین در سفر به کشورهای همسایه به نقش چینی‌های مهاجر توجه بیشتری نشان دادند. آن‌ها دریافتند که مهاجران چینی می‌توانند در مدرن-سازی چین نقش مثبتی ایفا کنند و در عین حال به بهبود روابط سیاسی میان چین و کشورهای محل اقامتشان کمک کنند. آن‌ها می‌توانستند منابع مالی و از آن مهم‌تر، دانش و تجربه مدیریتی به چین بفرستند. در سال‌های ۱۹۷۸ و ۱۹۷۹، بازگشایی کانال‌های جدید تجاری در استان‌های جنوب شرقی مانند گوانگ دونگ و فوجیان اولین قدم در راه آزادسازی تجارت خارجی بود. این استان‌ها نزدیک به هنگ‌کنگ و تایوان قرار داشتند که بخش بزرگی از جمعیت آن‌ها را چینی‌های مهاجر تشکیل می‌دادند. به این ترتیب، موانع فعالیت‌های اقتصادی برای مهاجران لغو شد و معافیت‌های مالیاتی برای شرکت‌های خارجی تولیدکننده محصولات صادراتی در نظر گرفته شد تا مهاجران به سرمایه‌گذاری در این استان‌ها ترغیب شوند (ناتون، ۲۰۰۷).

بدون ارتباط با چینی‌های مهاجر، بنگاه‌های خصوصی چین زیر فشار بدهی‌های خارجی کمر خم می‌کردند. اگر بنگاه‌های تأسیس شده توسط چینی‌های مهاجر در اثر وجود ارتباطات خویشاوندی و آشنایی با فرهنگ چینی وجود نمی‌داشت، عدم شفافیت در حاکمیت قانون و ابهام در فضای کسب‌وکار در چین مانع از حضور

1. Self-reliance policies

سرمایه‌گذاران خارجی می‌شد. سرمایه‌مهاجران چینی نقش تعیین‌کننده‌ای در تحولات اقتصادی چین در سال‌های ۱۹۸۰ و اوایل دهه ۱۹۹۰ ایفا کرد. سرمایه‌گذاری خارجی انتقال اطلاعات بازار جهانی، ارتقاء سطح تخصص‌های مورد نیاز در فرایند توسعه، افزایش صادرات و کسب ارز خارجی را تسهیل کرد. در اواسط دهه ۱۹۹۰، تقریباً یک دهه بعد از اینکه شرکت‌های کوچک و متوسط تایوانی برای اولین بار در چین فعالیت خود را آغاز کردند، اکثر سرمایه‌گذاری‌ها از بخش سنتی، از جمله پوشاک و تلفن، به صنایع انفورماتیک، مخصوصاً کامپیوترهای شخصی و لوازم جانبی منتقل شد. کمبود نیروی کار و هزینه نسبتاً بالا در تایوان باعث مهاجرت صنعت کامپیوتر این کشور به چین شد. در فاصله سال‌های ۱۹۹۵ تا ۱۹۹۹ سهم صنایع کاربر در سرمایه‌گذاری بنگاه‌های خارجی از ۵۰,۴۲ به ۴۱,۴۴ درصد کاهش یافت و سهم صنایع با فناوری پیشرفته از ۲۶,۸۶ به ۳۳,۲۱ درصد رسید (تیسدل، ۲۰۰۸<sup>۱</sup>).

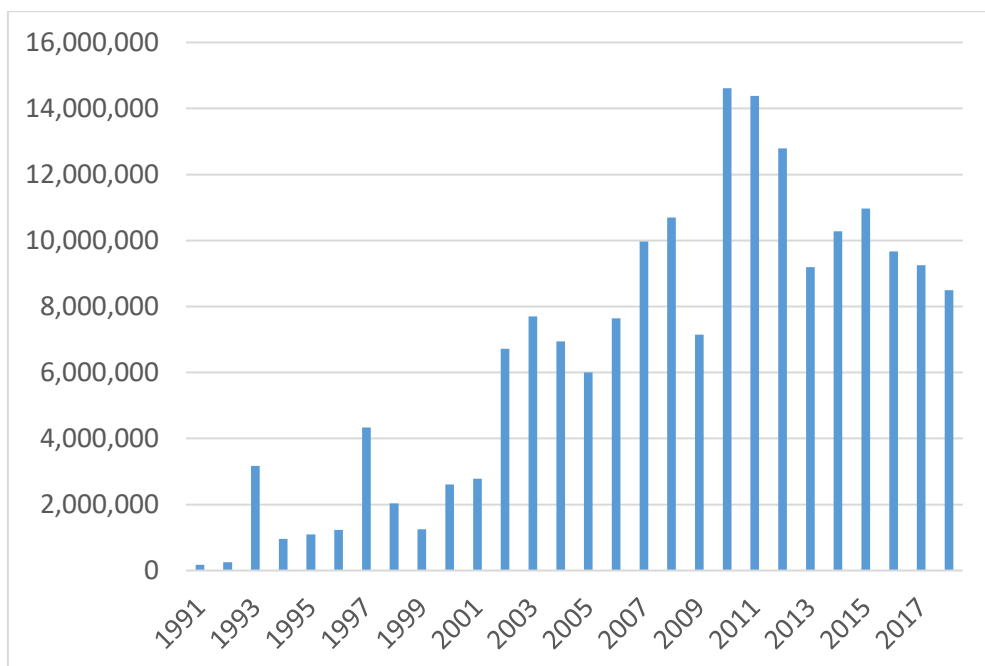
## ۱-۲- اصلاح قوانین برای جلب سرمایه‌چینی‌های ساکن تایوان

دولت چین برای جلب اعتماد چینی‌های مهاجر مقیم تایوان در سال ۱۹۸۸ قوانینی را تصویب کرد که به موجب آن امنیت سرمایه‌گذاری تایوانی‌ها در چین تضمین شد. در نتیجه این قانون میزان سرمایه‌گذاری چینی‌های مهاجر در این کشور به نحو چشمگیری افزایش یافت. بر اساس این قانون و با توجه به ضرورت افزایش مبادلات اقتصادی و فناوری نوین بین چین و تایوان، حق بازگشت سود سرمایه‌گذاری چینی‌های مقیم تایوان به رسمیت شناخته شد و سرمایه‌گذاری تایوانی‌ها در سراسر چین مجاز گردید. سرمایه‌گذاران تایوانی اجازه یافتند که با مالکیت کامل شرکت یا سرمایه‌گذاری مشترک با شرکت‌های چینی، خرید سهام و اوراق قرضه، در هر حوزه‌ای از صنعت، کشاورزی یا تجارت در چین، فعالیت اقتصادی داشته باشند (هو، ۲۰۰۲<sup>۲</sup>).

دولت چین با اعطای امتیازات و مشوق‌ها، سرمایه‌گذاران تایوانی را به استفاده از فناوری‌های پیشرفته و صادرات کالاهای تولیدی تشویق کرد؛ و امنیت دارایی‌های به دست آمده توسط سرمایه‌گذاران تایوانی، شامل حقوق مالکیت صنعتی، سود و سایر حقوق مشروع آن‌ها را متضمن شد. به علاوه شرکت‌های تایوانی از پرداخت عوارض گمرکی کالاهای وارداتی، مالیات‌های تجاری و صنعتی و مجوز واردات تجهیزات و ماشین‌آلات، برای استفاده در تولید و بخش اداری شرکت معاف شدند (هو، ۲۰۰۲). تصویب این قانون تأثیر چشمگیری بر رشد سرمایه‌گذاری تایوانی‌ها در چین داشت. نمودار ۱ سرمایه‌گذاری‌های تایوانی‌ها در چین، طی سال‌های ۱۹۹۱ تا ۲۰۱۱ را نشان می‌دهد. سرمایه‌گذاری تایوانی‌ها در چین از حدود سالانه ۲ میلیارد دلار در آغاز دهه ۱۹۹۰ به ۱۴ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۰ رسیده است و طی همین دوره، سهم چین از سرمایه‌گذاری خارجی تایوان از حدود ۱۰ درصد به بیش از ۴۰ درصد افزایش یافته، در حالی که روابط رسمی سیاسی میان تایوان و چین هنوز برقرار نشده است.

1. Tisdell

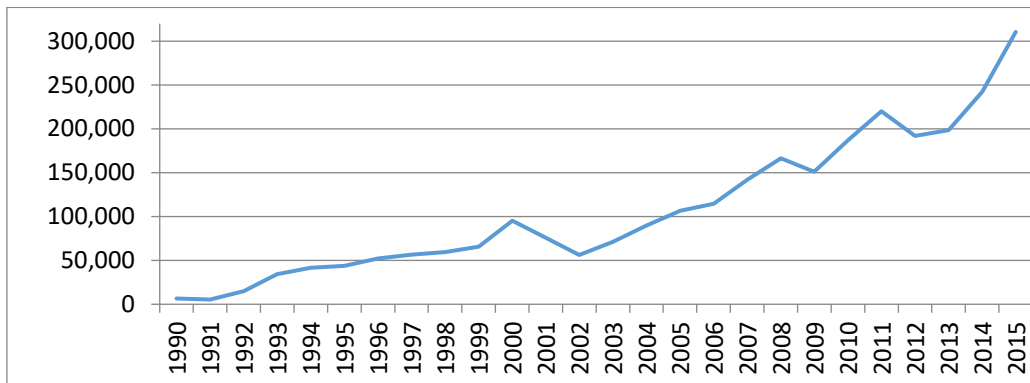
2. Hou



نمودار ۱: سرمایه‌گذاری مستقیم تایوان در چین (هزار دلار)

منبع: وزارت امور اقتصادی تایوان، ۲۰۱۹

هرچند میزان سرمایه‌گذاری مستقیم تایوان در چین در سال‌های اخیر کاهش یافته ولی هنوز چین مهم‌ترین مقصد سرمایه‌گذاری برای شرکت‌های تایوانی است. در سال ۲۰۱۷ سرمایه‌گذاری تایوان در چین حدود ۹,۲ میلیارد دلار (۴۴,۴ درصد از کل سرمایه‌گذاری تایوان در دیگر کشورهای جهان) بوده است (وزارت امور اقتصادی تایوان ۲۰۱۹). در فاصله سال‌های ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۵ حدود نیمی از کل سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی چین از سوی چینی‌های مقیم خارج تأمین شده است. در طول سال‌های دهه ۱۹۸۰ و اوایل دهه ۱۹۹۰، زمانی که شرکت‌های چندملیتی، به دلیل عدم اعتماد به فضای سیاسی چین، گرایش به فعالیت در چین نداشتند، فعالیت موفقیت‌آمیز مهاجران در چین، به سرمایه‌گذاران خارجی نشان داد که چین کشوری امن و مناسب برای انجام فعالیت‌های بلندمدت و سودآور است. نمودار ۲ میزان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در چین را طی سال‌های ۲۰۱۵-۱۹۹۴ نشان می‌دهد. در ابتدای دهه ۱۹۹۰ میزان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی کمتر از ۱۰ میلیارد دلار بوده است؛ این رقم در سال ۲۰۱۵ از مرز ۳۰۰ میلیارد دلار می‌گذرد. بی‌شک بدون مشارکت چینی‌های مهاجر، رشد و توسعه صنعتی چین امکان‌ناپذیر نبود. در فاصله سال‌های ۱۹۷۹ تا ۱۹۹۹ سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در چین به سرعت افزایش یافت که بیش از نیمی از این سرمایه از سوی چینی‌های مقیم هنگ‌کنگ تأمین شد. در کل، بیش از دو سوم این سرمایه‌گذاری‌ها به چینی‌های مهاجر مقیم کشورهای آسیایی تعلق داشت (انکتاد، ۲۰۱۶).



نمودار ۲: میزان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در چین (۱۹۹۰-۲۰۱۵)

مأخذ: انکتاد، ۲۰۱۶<sup>۱</sup>

در فاصله سال‌های ۲۰۱۳-۱۹۹۴، سهم چینی‌های مهاجر در کل سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به‌طور متوسط ۴۸٫۵ درصد بود. پس از پیوستن چین به سازمان تجارت جهانی سهم مهاجران چینی از کل سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در چین کاهش یافت، اما پس از بروز بحران مالی در سال ۲۰۰۸ و افزایش عدم اطمینان صاحبان سرمایه در کشورهای صنعتی در مورد نتایج سرمایه‌گذاری در چین، مجدداً سهم مهاجران چینی از کل سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی به‌شدت افزایش یافت و از مرز ۶۰ درصد گذشت. این تحولات به‌وضوح نشان می‌دهد که سرمایه‌گذاری چینی‌های مقیم خارج، به دلیل شناخت بهتر وضعیت اقتصادی چین، کمتر از دیگر صاحبان سرمایه تحت تأثیر شوک‌های اقتصادی قرار گرفته است.

در فاصله سال‌های ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۵ حدود نیمی از کل سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی چین از سوی چینی‌های مقیم خارج تأمین شده است. ولی پس از بروز بحران مالی در سال ۲۰۰۸ و افزایش عدم اطمینان صاحبان سرمایه در کشورهای صنعتی در مورد نتایج سرمایه‌گذاری در چین، مجدداً سهم مهاجران چینی از کل سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی به‌شدت افزایش یافت و از مرز ۶۰ درصد گذشت (سازمان آمار چین،<sup>۲</sup> ۲۰۱۹).

نقش چینی‌های مهاجر در عملکرد اقتصادی چین به حدی مهم است که در آمارهای رسمی چین میزان سرمایه‌گذاری، فروش و سود برای شرکت‌های با سرمایه‌گذاری چینی‌های مهاجر<sup>۳</sup> از دیگر شرکت‌های خارجی تفکیک کرده و به‌صورت مجزا اعلام می‌شود.

## ۲-۲- نقش چینی‌های مهاجر در تحول تولید و اشتغال

مهاجران چینی در ایجاد فرصت‌های شغلی جدید در صنایع صادراتی نقش قابل توجهی داشته‌اند. همان‌گونه که جدول ۱ نشان می‌دهد، در فاصله سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۷ مشاغل ایجاد شده در شهرهای چین، توسط

1. United Nation Conference on Trade and Development (UNCTAD)

۲. National Bureau of Statistics of China

۳. Overseas Chinese



شرکت‌های ثبت شده در هنگ‌کنگ، تایوان و ماکائو با دیگر شرکت‌های خارجی فعال در چین قابل مقایسه بوده است. به‌علاوه از سال ۲۰۱۳ به بعد فرصت‌های شغلی در میان شرکت‌های متعلق به مهاجران چینی، بسیار کمتر از دیگر شرکت‌های خارجی داشته است.

جدول ۱: اشتغال مستقیم شرکت‌های خارجی و داخلی در مناطق شهری چین (۱۰۰۰ نفر)

کل اشتغال	اشتغال خصوصی	هنگ‌کنگ، تایوان و ماکائو	شرکت‌های خارجی	
۲۳۱،۵۱۰	۱۲،۶۸۰	۳،۱۰۰	۳،۳۲۰	۲۰۰۰
۲۸۳،۸۹۰	۳۴،۵۸۰	۵،۵۷۰	۶،۸۸۰	۲۰۰۵
۳۴۶،۸۷۰	۶۰،۷۱۰	۷،۷۰۰	۱۰،۵۳۰	۲۰۱۰
۳۸۲،۴۰۰	۸۲،۴۲۰	۱۳،۹۷۰	۱۵،۶۶۰	۲۰۱۳
۴۰۴،۱۰۰	۱۱۱،۸۰۰	۱۳،۴۴۰	۱۴،۴۶۰	۲۰۱۵
۴۲۴،۶۲۰	۱۳۳،۲۷۰	۱۲،۹۰۰	۱۲،۹۱۰	۲۰۱۷

منبع: National Bureau of Statistics of China 2019

از هنگامی که چین به راهبرد برون‌گرای بازارمدار در سال ۱۹۷۸ تغییر جهت داد، درآمد سرانه‌اش به‌طور متوسط سالانه بیش از ۸ درصد رشد کرد؛ حدود ۳۰۰ میلیون چینی از فقر مطلق به جایگاه طبقه متوسط حرکت کردند؛ و مرگ‌ومیر کودکان به اندازه دوسوم کاهش یافت. در این مدت چین توانست به دومین اقتصاد بزرگ جهان مبدل شود؛ میزان تجارت بین‌المللی خود را به بالاترین سطح موجود در جهان برساند؛ و از نفوذ قابل توجهی در عرصه سیاست بین‌المللی بهره‌مند شود. در سال ۲۰۱۹ چین با صادرات کالا و خدمات حدود ۲۴۹۰ میلیارد دلار بزرگ‌ترین صادرکننده جهان بوده است (سازمان تجارت جهانی، ۲۰۲۰). هرچند مجموعه عوامل داخلی و خارجی در این موفقیت تحسین‌برانگیز تأثیر داشته، ولی نقش سرمایه‌های مادی و فکری چینی‌های مهاجر در این فرایند همواره قابل توجه است.

چینی‌های مهاجر ساکن کشورهای مختلف جهان پل ارزشمندی برای انتقال دانش، تکنولوژی و سرمایه به چین بوده‌اند. اعمال سیاست درهای باز و تضمین امنیت سرمایه‌گذاری مهاجران در چین، سبب گسترش روابط مهاجران با سرزمین مادری شده و فرصت‌های اقتصادی ممتازی فراهم آورده است. اینترنت و ارتباطات سریع و ارزان بین‌المللی از یک‌سو و کاهش هزینه سفرهای هوایی از سوی دیگر، شکل‌گیری روابط تجاری میان مهاجران و کشورهای زادگاه را تسهیل کرده است. برای مثال، مهاجران چینی ساکن چند کشور با استفاده از روابط خانوادگی، به‌سادگی می‌توانند شرکت کوچک چندملیتی ایجاد و کالاهای ساخت چین را به دیگر کشورها صادر کنند. بسیاری از مهاجران چینی دریافته‌اند که با گسترش روابط تجاری با کشور زادگاه می‌توانند به‌سرعت ثروتمند شوند، در حالی که چنین فرصتی در کشور محل اقامت برای آن‌ها وجود ندارد. به طور مثال «علی بابا» مهم‌ترین شرکت تجاری اینترنتی چین است و حدود ۵۰۰ میلیون نفر از خدمات مختلف اینترنتی این

شرکت استفاده می‌کنند. جک ما<sup>۱</sup> مدیر «علی‌بابا» در آمریکا با اینترنت و خدمات آنلاین آشنا شد. گسترش چشم‌گیر فعالیت مؤسسات اینترنتی از جمله «علی‌بابا» در چین نشانگر آن است که ارتباط مهاجران چینی با کشور مادری، در حال حاضر و تا آینده قابل پیش‌بینی، نقش مهمی را در توسعه چین ایفا خواهد کرد (گست، ۲۰۱۱).

تجربه چین در چهار دهه گذشته نشان می‌دهد که مهاجرت ضرورتاً به معنای فرار مغزها و تخلیه منابع مادی و معنوی یک کشور نیست و در صورت وجود شرایط مساعد، بسیاری از مهاجرین با انتقال توان کارآفرینی و سرمایه‌های مادی و علمی، می‌توانند نقش مهمی در موفقیت اقتصادی سرزمین مادری ایفا کنند.

### ۳- کاهش سرمایه‌گذاری و تأثیر آن بر اقتصاد ایران

در سند چشم‌انداز بیست ساله (۱۴۰۴-۱۳۸۴) پیش‌بینی شده بود که ایران با رشد سالانه ۸ درصد، در سال ۱۴۰۴ به جایگاه اقتصادی برتر در منطقه خاورمیانه دست خواهد یافت. برآورد شده بود که برای تحقق رشد ۸ درصد در برنامه چهارم توسعه (۸۸-۱۳۸۴) به ۱۲۰۰ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری نیاز است (وزارت اقتصاد و دارایی، ۱۳۹۳). طی سال‌های اخیر با وجود اعمال سیاست‌های مختلف از سوی دولت، بخش خصوصی به افزایش سرمایه‌گذاری مولد و اشتغال‌زا گرایش چندانی نشان نداده است. قطعاً با هدف ارتقاء سطح رفاه مردم ایران و دستیابی به جایگاهی متناسب در اقتصاد جهانی کشور نیازمند تسریع آهنگ رشد، تحول در ساختارهای اقتصادی و حضور فعال در بازارهای جهانی به سرمایه‌گذاری است. سرمایه مالی و دانش گسترده ایرانیان مقیم خارج منبع ارزشمندی است که در جهت رونق تولید و اشتغال ایران می‌توان از آن بهره جست.

جدول ۲ تحولات تشکیل سرمایه ثابت ناخالص را در فاصله سال‌های ۱۳۸۳ تا ۱۳۹۶ نشان می‌دهد. همان‌گونه که در جدول ملاحظه می‌شود، طی این دوره میزان سرمایه‌گذاری، رشدی معادل منفی ۰٫۷ درصد داشته و نسبت سرمایه‌گذاری به تولید ناخالص داخلی از حدود ۲۵ درصد به ۱۷ درصد کاهش یافته است (بانک مرکزی ایران، ۱۳۹۸). عدم گرایش به سرمایه‌گذاری، نه‌تنها از عوامل اصلی رشد اندک اقتصادی در سال‌های اخیر بوده، بلکه می‌تواند به مانعی بالقوه بر سر راه افزایش تولید و اشتغال در سال‌های آتی نیز منجر شود.

جدول ۲: تحولات سرمایه‌گذاری و تولید (قیمت ثابت سال ۱۳۹۰)

رشد ۹۶-۱۳۸۳	۱۳۹۶	۱۳۹۳	۱۳۹۰	۱۳۸۵	۱۳۸۳	
-۰٫۷	۱۱۸۴	۱۳۷۹	۱۷۱۲	۱۲۱۹	۱۱۹۲	تشکیل سرمایه
۴۰٫۳۵	۶۹۴۱	۶۰۴۳	۶۳۶۴	۵۴۷۶	۴۹۴۵	تولید ناخالص داخلی
-۱٫۷۳	۱۷۰۶	۲۲٫۸۲	۲۶٫۹۰	۲۲٫۲۶	۲۴٫۱۱	نسبت سرمایه‌گذاری به تولید ناخالص داخلی

منبع: بانک مرکزی، ۱۳۹۶

1. Jack Ma

به دلیل سرمایه‌گذاری ناکافی، بخشی از واحدهای تولیدی ایران با مشکل تکنولوژی کهنه و فرسوده دست به گریباند؛ و امکان رقابت با محصولات مشابه خارجی را از دست داده‌اند. اگر با ایجاد فضایی اطمینان‌بخش، بخشی از سرمایه ایرانیان مهاجر، به همراه توان کارآفرینی آنان به کشور وارد شود، می‌تواند تحول قابل توجهی در اقتصاد ایران به وجود آورد.

#### ۴- سرمایه ایرانیان مهاجر در کشورهای میزبان

جمعیت چند میلیون نفری ایرانیانی که در کشورهای مختلف جهان سکونت دارند، عموماً افرادی فرهیخته و عمدتاً ثروتمند هستند و جایگاه برجسته‌ای در عرصه‌های علمی، اقتصادی، اجتماعی و هنری کشور میزبان دارند. پس از انقلاب اسلامی و به‌ویژه در پی جنگ تحمیلی بخشی از ایرانیان کشور را ترک کردند. اما پیوند میان کسانی که ماندند و آن‌ها که کشور را ترک کردند، پایدار و محکم باقی مانده است. در اثر مهاجرت گروهی از ایرانیان، امروز ملت ایران فراتر از مرزهای رسمی کشور گسترده شده است. میلیون‌ها مهاجر ایرانی از عناصر مهم و ژرف یک میراث مشترک تاریخی سهم می‌برند و از منابع ارزشمند علمی، فرهنگی و اقتصادی ایران نیز به شمار می‌آیند.

بدون شک، مهاجرت گروهی از نخبگان سبب خروج ثروت‌های مادی و معنوی از ایران بوده و تداوم آن برای کشور خالی از زیان نخواهد بود. خروج جمعیت جوان و پرانرژی و خلاق بر ظرفیت‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی کشور تأثیر منفی بر جای گذاشته است؛ ولی این چالش را می‌توان به فرصت مبدل کرد. در فرایند توسعه اقتصادی و اجتماعی، مقوله سرمایه‌گذاری واجد اهمیت بنیادی است. بسیاری از ایرانیان مهاجر نخبگان موفق و خلاق بوده‌اند که همانند دیگر مهاجران در جست‌وجوی شرایط بهتر برای زندگی، کشور مادری را ترک کرده‌اند. آن‌ها در جریان مهاجرت، تجارب گوناگونی در عرصه‌های اقتصادی و علمی کسب کرده‌اند و با بهره‌گیری از فرصت‌های جدید در کشور میزبان دانش، تجربه و ثروت اندوخته‌اند؛ ولی همچنان به ایران نیز تعلق خاطر دارند. بخش اعظم مهاجران به همکاری در جهت تسریع آهنگ رشد و توسعه ایران بسیار علاقه‌مندند (بنیاد انجمن پارسا،<sup>۱</sup> ۲۰۱۷؛ آی بریج،<sup>۲</sup> ۲۰۱۷). ایران نیز برای ایجاد تحول در ساختارهای اقتصادی و حضور فعال در بازارهای جهانی به سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی نیازمند است. سرمایه مالی و دانش گسترده ایرانیان مقیم خارج، بخشی از منبع بالقوه و ارزشمند توسعه کشور است که در جهت رونق تولید و اشتغال ایران باید از آن بهره جست.

آمار دقیقی از ثروت ایرانیان در سراسر جهان در دست نیست. بر اساس تحقیقات مقدماتی به‌عمل آمده از سوی مرکز پژوهش‌های مجلس، ثروت ایرانیان مقیم خارج در سال ۱۳۸۶ حدود ۱۳۰۰ میلیارد دلار و ثروت ایرانیان مقیم آمریکا به‌تنهایی بالغ بر ۹۰۰ میلیارد دلار بوده است (مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۸۶). این برآورد در سال ۱۳۹۴، به حدود ۳ تا ۴ هزار میلیارد دلار افزایش یافته که حدود ۱۰ برابر تولید ناخالص داخلی ایران و

1. Parsa Community Foundation

2. iBridge

نزدیک به ۴ برابر کل درآمدهای نفتی ایران در طول یک‌صد سال گذشته است. تخمین زده می‌شود که در آمریکا ثروتی که توسط ایرانیان خارج از کشور مدیریت می‌شود، بیش از ۲ هزار میلیارد دلار است. فقط در سال ۱۳۹۰ ایرانیان ساکن آمریکا حدود ۴۰۰ میلیارد دلار در خارج از ایران سرمایه‌گذاری کرده‌اند که تقریباً معادل تولید ناخالص داخلی ایران است (فایننشال تریبون، ۲۰۱۶).

علاوه بر کشورهای صنعتی آمریکا و اروپا، سرمایه ایرانیان مهاجر به‌سوی کشورهای در حال توسعه نیز سرازیر شده است (مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۸۶). مقصد بخش بزرگی از سرمایه‌های خارج شده از ایران، کشورهای حوزه خلیج فارس بوده و امارات متحده عربی، کویت، قطر و عمان سهم بالایی از سرمایه‌های ایرانیان مهاجر را جذب کرده‌اند. در سال ۲۰۱۳ حدود ۸۰ هزار شرکت ایرانی در دوبی حضور داشته‌اند و هزاران ایرانی در بخش مسکن و بورس دوبی سرمایه‌گذاری کرده‌اند (اتاق بازرگانی ایران و امارات، ۱۳۹۲). مالزی، ترکیه، ارمنستان و گرجستان از دیگر کشورهایی هستند که در سال‌های اخیر سرمایه ایرانیان مهاجر و حتی قسمتی از پس‌اندازهای داخل ایران را جذب کرده‌اند؛ ولی کشور ایران که برای تسریع آهنگ رشد و توسعه به این سرمایه‌ها نیازمند است، بهره‌ای از سرمایه‌های کلان مهاجران ندارد.

اگر بتوانیم فضای کسب‌وکار مساعدی ایجاد کرده و امنیت تعامل مهاجران با ایرانیان داخل کشور را تضمین کنیم، با جلب اعتماد و اطمینان مهاجران، جذب سالانه ده‌ها میلیارد دلار از سرمایه‌های آنان به داخل کشور ممکن خواهد شد. به‌علاوه، بسیاری از ایرانی‌های مهاجر با شرکت‌های مطرح خارجی ارتباط دارند و می‌توانند برای حضور شرکت‌های خارجی در ایران فعالیت کنند. اگر ایرانی‌های مهاجر در فعالیت‌های اقتصادی ایران مشارکت داشته باشند و ثبات و امنیت فعالیت آن‌ها تضمین شود، قطعاً زمینه برای ورود سرمایه‌گذاران غیرایرانی نیز فراهم خواهد شد.

#### ۴-۱- سرمایه‌های فکری ایرانیان مهاجر

بسیاری از ایرانیان مهاجر مهندسان، پزشکان، هنرمندان، دانشمندان، استادان دانشگاه، صاحبان سرمایه و کارآفرینان موفقی هستند که جایگاه والایی در عرصه‌های علمی کشور میزبان دارند. بسیاری از دانشجویان ایرانی در آمریکا، کانادا و برخی از کشورهای اروپایی، پس از اتمام تحصیل در بازار کار این کشورها جذب شده و به اقامت در این کشورها ادامه داده‌اند.

شمار قابل توجهی از ایرانیان مهاجر در رشته‌های مختلف آموزشی در دانشگاه‌های معتبر آمریکا به تدریس اشتغال دارند. مشابه همین وضعیت در میان ایرانیان سایر کشورهای صنعتی نیز دیده می‌شود. بر اساس برآورد انجمن ایرانیان آمریکا، ایرانیان مهاجر تحصیل کرده‌ترین گروه نژادی در کشور آمریکا محسوب می‌شوند. بر طبق محاسبات دانشگاه ام. آی. تی، این گروه ۵۰ درصد بالاتر از حد میانگین جامعه در ایالات متحده درآمد دارد و از گروه‌های موفق جامعه آمریکا محسوب می‌شوند. طبق اداره آمار آمریکا در سرشماری سال ۲۰۰۰، نزدیک

به ۲۷ درصد از ایرانیان آمریکایی دارای مدرک کارشناسی ارشد به بالا بوده که این میزان در میان گروه‌های مهاجر آمریکایی دارای رتبه نخست است. بیش از ۵۶ درصد ایرانیان مقیم آمریکا دارای مدرک کارشناسی هستند که در میان ۶۷ گروه مهاجر آمریکا دارای رتبه دوم است. در کل، بیش از ۴۵ درصد از ایرانیان مقیم آمریکا افراد متخصص هستند؛ و در ۵۰۰ شرکت برتر آمریکا نقش ایرانی‌ها بسیار پررنگ است (فایننشال تریبون، ۲۰۱۶)؛ در کانادا و اروپا هم همین موقعیت وجود دارد. به‌طور مثال، ایرانیان مقیم سوئد به‌عنوان موفق‌ترین گروه قومی در این کشور شناخته شده‌اند (درویش‌پور، ۲۰۰۹).

## ۵- موانع جذب سرمایه‌های ایرانیان مهاجر

در سه دهه اخیر از سیاست درهای باز سخن گفته شده و بر ضرورت ورود سرمایه ایرانیان مقیم خارج کشور برای افزایش رشد تولید و اشتغال در ایران تأکید شده اما عوامل متعددی مانع از تحقق این هدف بوده است. بی‌ثباتی و ریسک بالا در فضای کسب‌وکار از یک‌سو و عدم پذیرش امکان دو تابعیتی بودن مهاجران از سوی دیگر، از موانع ورود سرمایه مهاجران به کشور بوده است. هرچند لغو قطعنامه‌های متعدد سازمان ملل و شورای امنیت علیه ایران در پی مذاکرات برجام و توافقات هسته‌ای، امکان ورود سرمایه ایرانیان مقیم خارج را تسهیل کرد؛ ولی خروج آمریکا از برجام و مشکلات جدی در ارتباط میان سیستم بانکی ایران و نظام بانکی بین‌المللی، همچنان موانع مهمی بر سر راه ورود سرمایه‌های مادی و فکری مهاجران به ایران است.

توافق برجام، نگاه دنیا را نسبت به ایران تغییر داد و فضای مناسبی برای رونق اقتصادی و سرمایه‌گذاری‌های داخلی و خارجی فراهم کرد. انتظار می‌رفت که موانع داخلی و خارجی گسترش تعامل ایرانیان ساکن سایر کشورها، به‌ویژه ایرانیان مقیم آمریکا کاهش یابد؛ و زمینه مناسبی برای ورود سرمایه‌های مهاجران ایجاد شود. صندوق بین‌المللی پول پیش‌بینی کرده بود که درهای بسته به روی ایران باز شود و در دو دهه آینده با رشد پرشتاب بیش از ۶٫۵ درصد، ۸ میلیون شغل جدید در کشور ایجاد شود (صندوق بین‌المللی پول، ۲۰۱۶). با وجود تأثیر مثبت برجام بر وضعیت اقتصادی ایران، نقض این توافق توسط دولت آمریکا باعث شد که موانع جدی بر سر راه رشد سرمایه‌گذاری از میان برداشته نشود. هرچند مدیرکل امور ایرانیان وزارت امور خارجه میزان سرمایه‌گذاری توسط ایرانیان مقیم خارج از کشور، پس از تصویب برجام تا سال ۱۳۹۵ را بیش از ۶۰۰ میلیون دلار اعلام کرده است (ایرنا، ۱۳۹۵)، ولی در عمل میزان ورود سرمایه ایرانیان مهاجر، کمتر از انتظارات بسیار بود؛ زیرا از یک‌سو فضای کسب‌وکار در ایران همچنان پرخطر باقی مانده است؛ به‌علاوه نحوه برخورد با ایرانیان مهاجر پس از توافق برجام تغییر چندانی نکرد و موضوع جلب سرمایه‌های مالی و فکری ایرانیان خارج کشور عملاً در اولویت وزارت امور خارجه و نمایندگی‌های دیپلماتیک ایران در خارج از کشور قرار نگرفت.

ریسک بالای سرمایه‌گذاری در ایران، عامل فرار سرمایه از کشور و در عین حال مانع اصلی جذب سرمایه خارجی است. بر اساس گزارش گلوبال اکونومی، ریسک در ارتباط با فضای سیاسی، مبادلات اقتصادی و نقل و انتقال پول برای ایران در بالاترین درجه (۷ از ۷) قرار دارد (گلوبال اکونومی، ۲۰۲۰).

### جمع‌بندی

در گذشته با مهاجرت نخبگان به‌عنوان فرار مغزها به‌شدت مخالفت می‌شد؛ امروزه تجربه بسیاری از کشورها نشان داده که مهاجران می‌توانند منبع مهمی برای فرایند توسعه کشور مادری باشند. چین در جذب سرمایه مهاجران موفقیت چشم‌گیری داشته است. مهاجرانی که پس از به قدرت رسیدن حزب کمونیست از این کشور گریخته و در مناطق مختلف سکنی گزیدند، پس از آغاز اصلاحات اقتصادی از اوایل دهه ۱۹۸۰، مهم‌ترین منبع انتقال سرمایه، تکنولوژی، دانش مدیریت و دستیابی به بازارهای صادراتی شدند. دولت چین با تصویب قوانین جدید و ایجاد مناطق ویژه اقتصادی در همسایگی هنگ‌کنگ و تایوان توان کارآفرینی و سرمایه‌های مادی و فکری مهاجران را به داخل کشور جذب کرد. طی چهار دهه گذشته سرمایه‌گذاری مستقیم چینی‌های مهاجر ساکن هنگ‌کنگ و تایوان در رشد و توسعه اقتصادی چین تأثیر تعیین‌کننده‌ای داشته است.

ایران تاکنون در جلب سرمایه مهاجران موفقیت‌چندانی نداشته و هنوز برخی به مهاجران و فعالیت آن‌ها در کشور به دیده شک و تردید نگریسته می‌نگرند. این در حالی است که اکثر ایرانیان مهاجر ساکن در کشورهای صنعتی، کارآفرینان خلاق و ثروتمند یا دانشمندان شناخته شده‌ای هستند که از جایگاه شایسته‌ای در کشور میزبان برخوردارند و به‌رغم زندگی در خارج از کشور، عموماً به ایران دلبستگی عمیقی دارند.

اقتصاد ایران برای رشد نیازمند سرمایه‌گذاری‌های مولد در عرصه‌های مختلف است. سرمایه‌های مادی و فکری ایرانیان مهاجر از منابعی است که برای تسریع آهنگ توسعه باید مورد استفاده قرار گیرد. تدوین و اعلام قوانین و مقررات شفاف و یکپارچه در مورد امنیت همه‌جانبه ایرانیان مهاجر در کشور می‌تواند موانع ورود سرمایه‌های مالی و فکری ایرانیان مهاجر را از میان بردارد.

ایران می‌تواند از سرمایه، تجربه و تخصص مهاجران برای غلبه بر مشکلات اقتصادی خود بهره برده و آهنگ رشد تولید و اشتغال را شتاب بخشد. تدوین سیاست‌های مشخص برای سرمایه‌گذاری ایرانیان مهاجر در سراسر ایران و آزاد بودن انتقال اصل و سود سرمایه‌گذاری، اقدامات ضروری در جلب سرمایه‌های انسانی و مالی ایرانیان خارج کشور به شمار می‌رود. رفع موانع یاد شده قطعاً گام اصلی برای جذب سرمایه‌های مستقیم خارجی بوده و ارتباطات خویشاوندی و دوستان می‌تواند کانال‌ها و شبکه‌های ارتباطی ارزشمند داخلی را فراهم آورده و آشنایی مهاجران با بازارهای بین‌المللی و فناوری‌ها موجبات انتقال تجارب و دانش فنی به کشور را به وجود آورد.

اگر قوانین و مقررات اطمینان بخش و شفاف برای جلب سرمایه‌های فکری و مالی ایرانیان مقیم خارج تدوین و اعلام شود، آثار مثبت گسترده‌ای بر سرمایه‌گذاری داخلی نیز خواهد داشت؛ که فراهم شدن مقدمات آن نیازمند عزم جزم و هماهنگ مجموعه قوای سه‌گانه و سازمان‌ها و نهادهای اصلی سیاست‌گذاری در این زمینه را می‌طلبد؛ به عبارت دیگر، لازم است تفاهمی فراگیر برای ایجاد رشد اقتصادی بالا و پایدار و تحول در فضای کسب‌وکار و جهت جلب سرمایه‌های فکری و مالی همه ایرانیان در داخل و خارج کشور صورت گیرد. استفاده از تجربیات چین در زمینه انجام اصلاحات گسترده در عرصه‌های اقتصادی و سیاسی و ایجاد اعتماد و جذب سرمایه فکری و مالی مهاجران، برای ایران بسیار مفید خواهد بود.

## منابع

- اتاق بازرگانی ایران و امارات (۱۳۹۲). «کوچ شرکت‌های ایرانی از دویی به عمان»، قابل دسترس در:  
<https://jamejamonline.ir/fa/news/543369>
- انجمن صنفی کاربایی‌های بین‌المللی (۱۳۹۵). «ایرانیان آمریکا»، قابل دسترس در:  
<http://www.scaba.ir/fa/Content.aspx?id=157>
- ایرنا (۱۳۹۴). «نگاه غربی به ریسک ایران».  
<http://article.irna.ir/fa/NewsPrint.aspx?ID=1154>
- ایرنا (۱۳۹۵). «سرمایه‌گذاری ۶۰۰ میلیون دلاری ایرانیان خارج از کشور در برخی استان‌ها»، قابل دسترس در:  
<http://www.irna.ir/lorestan/fa/News/82309683>
- بانک مرکزی ایران (۱۳۹۶) حساب‌های ملی ایران.  
بانک مرکزی ایران (۱۳۹۸) حساب‌های ملی ایران.
- بخشی، فتحعلی (۱۳۹۵). «مالکیت هم‌وطنان دوتابعیتی»، قابل دسترس در: <http://www.sharghdaily.ir/News/115235/>
- پرسش (۱۳۹۶). «انتقاد روحانی از نوع برخورد قوه قضائیه با سرمایه‌گذاران»، قابل دسترس در: <http://porcesh.ir/fa/251>
- جماران (۱۳۹۵). «استفاده ابزاری از عناوین مجرمانه برای برخورد با هدف‌های سیاسی و مانند آن آسیبی جدی است»، قابل دسترس در: <http://www.jamaran.ir/>
- درویش‌پور، مهرداد (۲۰۰۹). «مهاجران ایرانی؛ موفق‌ترین گروه مهاجران». قابل دسترس در: <http://www.dw.com/fa>
- راهشخو، مریم، مجتبی رفیعیان و الهام امینی (۱۳۹۱). «بررسی نقش عوامل اجتماعی و فرهنگی بر مهاجرت دانشجویان ایرانی به خارج از کشور»، پژوهش اجتماعی، سال چهارم، شماره ۱۶، ۱۰۴-۸۳.
- رستمی حضوری، هاجر (۱۳۹۳) «اثر مهاجرت نیروی انسانی متخصص بر فقر در کشورهای در حال توسعه»، سیاست‌های مالی و اقتصادی، سال دوم، شماره ۵، ۱۰۴-۹۳.
- سلجوقی، خسرو (۱۳۷۹). مهاجرت نخبگان، علل و راهکارها، تهران: سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی.
- صندوق بین‌المللی پول (۲۰۱۶). «گزارش مثبت صندوق بین‌المللی پول از وضعیت اقتصادی ایران پس از برجام»، قابل دسترس در: <http://www.dw.com/fa-ir/>
- طالبی آرانی، روح‌الله (۱۳۹۵). ایرانیان خارج از کشور؛ بایسته‌ها، الزامات و وظایف وزارت امور خارجه، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس.
- طایفی، علی (۱۳۸۰). بررسی علل خروج نیروهای متخصص از کشور و راهکارهای کاهش آن، تهران: مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.
- طلوع، ابوالقاسم (۱۳۷۸). «فرار مغزها، جذب مغزها و گردش مغزها»، تحقیقات، سال اول، شماره ۳ و ۴.



- عباسی، رسول (۱۳۸۲). بررسی جامعه‌شناختی گردش نیروی کار ماهر در سطح بین‌المللی با تأکید بر پیمایش در زمینه فرار مغزها/زیران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم اجتماعی گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی.
- کیهان (۱۳۹۴). «شکار نخبگان پشت پرده استارت آپ‌ها»، قابل دسترس در: <http://kayhan.ir/fa/news/56551>
- مرکز پژوهش‌های مجلس (۱۳۸۶). «تدوین سیاست‌های کلی نظام درباره ایرانیان خارج از کشور ضروری است»، قابل دسترس در: [http://rc.majlis.ir/fa/news/print\\_version/764890](http://rc.majlis.ir/fa/news/print_version/764890)
- میرترابی، سعید و سعید خاوری نژاد (۱۳۹۳). «علل مهاجرت نخبگان از ایران از منظر اقتصاد سیاسی بین‌الملل (با تأکید بر دهه ۱۳۸۰)»، تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، سال ششم، شماره ۱۹، ۱۹۹-۲۳۳.
- وزارت اقتصاد و دارایی (۱۳۹۳). «رشد اقتصادی بدون سرمایه‌گذاری خارجی امکان‌پذیر نیست»، قابل دسترس در: <http://www.shada.ir/portal/Home/ShowPage.aspx?Object=NEWS&ID>
- وقوفی، حسن (۱۳۸۱). فرار مغزها: بررسی مهاجرت نخبگان از زوایای گوناگون، تهران: زهد.
- Abraham, P. M. (1967). "An outline for a study of brain drain from India", *Man Power Journal*, Vol.3, No.3.
- Beine, M. Docquier, F., & Rapoport, H. (2008). "Brain drain and human capital formation in eveloping countries: winners and losers", *The Economic Journal*, Vol.118, No.528, 631-652.
- Brinkerhoff, J. M. (2008). "Exploring the role of Diasporas in rebuilding governance in post-conflict societies", In *Africa's Finances: The Contribution of Remittances* (Vol. 239, No. 262, pp. 239-262). Cambridge Scholars Publishing in association with GSE Research.
- Comay, Y. (1971). "Salaries, employment opportunities and migration of engineers", *International gration*, Vol.9, No.1-2, 80-88.
- Dumont, J. C. & Spielvogel, G. (2008). "Return migration: A new perspective", Organization for Economic Cooperation and Development (OECD), *International Migration Outlook*, Annual Report.
- Dumont, Jean-Christophe and Gilles Spielvogel (2008) "Return Migration: A New Perspective", in *International Migration Outlook 2008*, OECD. Visited at: <https://www.oecd.org/migration/mig/43999382.pdf>.
- Financial Tribune. (2016) "How How Wealthy Are Iranian Expats?", Visited at: <https://financialtribune.com/articles/economy-domestic-economy/40146/how-wealthy-are-iranian-expats>.
- Fish, M. Steven (2015) "Penury Traps and Prosperity Tales: Why Some Countries Escape Poverty While Others Do Not" in *Oxford Handbook of Politics of Development*, Carol Lancaster and Nicolas van de Walle (eds.), Oxford Handbooks Online.
- Fornier N. (2007). "Engagements across national Borders", Then and Now, *Fordham Law Review*, No.75, 2483-2492.
- Frankel, J. (2011). "Are bilateral remittances countercyclical?", *Open Economies Review*, Vol.22, No.1, 1-16.
- Gao, T. (2003). "Ethnic Chinese networks and international investment: evidence from inward FDI in

- China”, *Journal of Asian Economics*, Vol.14, No.4, 611-629.
- Guest, R. (2011). *Borderless economics: Chinese sea turtles, Indian fridges and the new fruits of global capitalism*, St. Martin's Press.
- Gupta, A. & Ferguson, J. (1992). “Beyond “culture”: Space, identity, and the politics of difference”, *Cultural anthropology*, Vol.7, No.1, 6-23.
- Henderson, Andrew. (2020) Which Countries Allow Dual Citizenship in 2020?, Nomad Capitalist website, Visited at: <https://nomadcapitalist.com/2014/04/25/countries-allow-dual-citizenship/>
- Hou, J. (2002). “China’s IDE policy and Taiwanese direct investment (TDI) in China”, Hong Kong University of Science and Technology Centre for Economic Development.
- IBridges (2017). “High Tech Entrepreneurs of Iranian Descent Community”, <https://ibridges.org>.
- Irish, G. (2015). “Ireland Diaspora Policy”, Department of Foreigners Affairs and Trade.
- Leblang, D. (2009). “Diaspora Bonds and Cross Border Capital”, *Manuscript, Department of Politics, University of Virginia*.
- Leblang, D. (2017). “Harnessing the diaspora: dual citizenship, migrant return remittances”, *Comparative Political Studies*, Vol.50, No.1, 75-101.
- National Bureau of Statistics. (1982). *China Economic Yearbook. State Statistical Bureau*, Beijing.
- National Bureau of Statistics. (1992). *China Statistics Book. State Statistical Bureau*, Beijing.
- Naughton, B. (2007). *The Chinese Economy Transition and Growth*, The MIT Press.
- Newland, K. & Tanaka, H. (2010). “Mobilizing diaspora entrepreneurship for development”, Washington, DC: Migration Policy Institute. Nomad Capitalist. (2020).
- Parsa Community Foundation. (2017). Mission and History, <http://www.parsacf.org>
- Sheffer, G. (2003). *Diaspora and Politics*, Cambridge University Press.
- Smart, A. & Hsu, J. Y. (2004). “The Chinese diaspora, foreign investment and economic development in China”, *The Review of International Affairs*, Vol.3, No.4, 544-566.
- Taiwan Ministry of Economic Affairs. (2019) Bureau of Foreign Trade, [https://www.trade.gov.tw/english/Pages/Detail.aspx?nodeID=94&pid=651991&dl\\_DateRange=all&txt\\_SD=&xt\\_ED=&txt\\_Keyword=&Pageid=0](https://www.trade.gov.tw/english/Pages/Detail.aspx?nodeID=94&pid=651991&dl_DateRange=all&txt_SD=&xt_ED=&txt_Keyword=&Pageid=0)
- Tisdell, C. A. (2008). “Thirty years of economic reform and openness in China: Retrospect and prospect” (No. 1742-2016-140737).
- UNCTAD (2016) World Investment Report 2016, Visited at: <http://unctad.org/en/pages/PublicationWebflyer.aspx?publicationid=1555>
- United Nation (2020) International Migration Report 2020, Visited at: <https://www.un.org/en/development/desa/population/migration/data/estimates2/estimates19.asp>
- Wescott, Clay and Jenifer M. Brinkerhoff. (2006). *Converting Migration Drain into Gains; Harnessing the Resources of Overseas Professionals*, Asian Development Bank. Visited at: <https://www.adb.org/sites/default/files/publication/27967/convert-migration.pdf>
- World Trade Organization. (2020). *Statistics on merchandise trade*, Visited at: [https://www.wto.org/english/res\\_e/statis\\_e/merch\\_trade\\_stat\\_e.htm](https://www.wto.org/english/res_e/statis_e/merch_trade_stat_e.htm)

